

نفض اسما
ابو اسما



کصد خاندان حکومت گران ۴ خاندان اتابک

بزرگترین پسر محمد ابراهیم امین السلطان (محمد علی امین حضرت) است که از مادر با اتابک جدامی بود .

بسال ۱۳۰۶ منولد شده است او جوانی خوشگذران و خوش دل بود شاید بدینجهت هم کارش در دستگاه دولتی نگرفت ، همواره زیر دست برادرش (اتابک) می بود .

پسر دوم امین السلطان ، علی اصغر اتابک رجل نیرومند و کم رقیب دوران قاجار است . اتابک در ۲۰ جمادی الاول ۱۲۲۴ (۱۸۵۸ م) در تهران پایجهان می گذارد ، مردی

باسواد دارای خط خوش و طبع شعرو سواد عربی بود از برازندگی و زیبایی بهره کافی داشت در ۱۲۸۷ (۱۳ سالگی) بعنوان پیشخدمت همایونی وارد کارهای دولتی و در باری می شود ،

در ۱۲۸۹ بجهت عهده دار شدن امور دواب لقب (صاحب جمع) پیدا می کند در مسافرت های شاهانه که پدرش همراه موکب همایونی می بود در نبودن پدر در تهران نیابت امور (وزارت

در بار) به او سپرده می شود . در ۱۲۹۷ خزانه دار کل و در ۱۲۹۸ به منصب سرتیپی اول و خطاب لقب جنایی ممتاز می گردد ، در ۱۲۹۹ بالقب (امین الملک) به معاونت کلیه

خدمات پدرش میرسد و در ۱۳۰۰ به دریافت نشان درجه اول شیروخورشید نایل می گردد . بعد از مرگ پدرش تمام مشاغل چهل گانه او به اتابک میرسد بقول حاج سیاح (در معنی

صدراعظم شد) سه سال بیش از مرگ پدر نمی گذرد چهار شغل دیگر به امور اتابک افزوده می شود پس از مرگ یوسف مستوفی الممالک وقتی شاه مصمم به تعیین صدراعظم می شود ،

در سال ۱۳۰۶ وی به صدارت میرسد ولی میدانیم که او از شش سال پیش همه کاره دولت می بود .
 اتابک که در سال ۱۳۱۰ به صدارت عظمی میرسد در این سمت تا به گور فرستادن ناصرالدین شاه میماند ، صدارت او در آغاز پادشاهی مظفرالدین شاه ادامه مییابد ششماه بعد در محرم ۱۳۱۵ (۱۸۹۶ م) از کار برکنار و به قم تبعید می شود . یکسال و سه ماه بعد در ۲۲ ربیع الاول ۱۳۱۶ (اگست ۱۸۹۸) دگر بار صدر اعظم میگردد . در آغاز جنبش مشروطه خواهی بعلت مبارزه با آزادی خواهان ناگزیر در ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۱ (سپتامبر ۱۹۰۲) از صدارت کناره گیری اختیار می کند و برای آخرین بار در ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۵ (۳۰ ژوئن ۱۹۰۷) به نخست وزیری رژیم مشروطیت میرسد و در پنجشنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۵ (۳۱ اوت ۱۹۰۷) ساعت ۱/۴ در ۴۹ سالگی در جلو بهارستان ترور می شود .

اتابک سیاستمداری توانا ، کار آمد و زیرک می بود که اگر دارای تقوا و احساسات ملی و میهن گرایی بود ، منافع مردم را بر منافع خود و دیگران ترجیح میداد ، می توانست منشاء اثرات سودمند و سازنده برای جامعه ایرانی باشد .

بیشتر سیاستمداران و مردان برجسته ای که او را دیده و یا آگاهی به روحیات او پیدا کرده اند او را در تدبیر و کشورداری و نیروهای عقلی و ارادی ستوده اند .

(سرآرتور دینگ) سفیر کبیر انگلستان می نویسد : (امین السلطان بدترین دشمنان خود را با یکی و دو ملاقات بکلی خلع سلاح می کرد ، آن دشمنی مبدل بدوستی میشد .^۱) والننتین چیروول نماینده سیاسی بریتانیا همین نظر را با بیان دیگر تائید می کند .
 ناظم الاسلام کرمانی می نویسد : (با همه کس بطور ندلیس اظهار دوستی و هم مشرب می کرد ، در نزد متصوفان اظهار درویشی می نمود ، با طبیعی دهری بود ، با علمات ندلیس می کرد و حسن عقیدت بخرج میداد ، متملقین را هم اطراف خود داشت ، لقمه نانی بنزد آنها می انداخت .^۲)

حال به بینیم روابط اتابک با ناصرالدین شاه به چه منوال و تا چه حدی بوده است . اصولاً " باید دانست در ایران به یادداشتها و خاطرات و سفرنامه های باقیمانده رجال نمیتوان اعتماد کامل کرد ، اگر آنان را آدمهای بی نظر بگیریم باز بجهت نحوه تفکرو اتمسفریکه زندگی می کردند نوشته هایشان دور از غرض نیست ولی به کلی هم نمیشود خط بطلان وارد بر همه این اسناد کشید چون بی آن اسناد شناخت رجال کار دشواری خواهد بود ، نهایت با توجه

A Diplomatist In the East , p-1

The Middle Eastern Question P. 250 - 2

۳ - تاریخ بیداری ایرانیان

بهمه این نوشته‌ها و تواتر نظرات می‌توان تاحدی رجال ایران را شناخت .
 مامجموع‌گفته‌ها و نوشته‌ها را کنار هم می‌گذاریم تا بتوانیم سایه و روشن سیمای رجال
 ایران را ترسیم کنیم .

اعتماد السلطنه با اتابک تفاهم کامل نداشت ولی هردو از مقربان شاه و از کسانی بودند
 که همه عمر مصادر مهم سیاسی را بعهده داشتند ، بنابراین در عین حال که نمیتوان درست
 نوشته‌های اعتماد السلطنه را در باره اتابک رد کرد . درست هم نخواهد بود همه را بپذیریم
 از اینجهت مانیز با فردگی هر چه بایسته فقط پاره‌ای از مطالب را که روابط نزدیک اتابک
 را با شاه نشان میدهد در اینجا می‌آوریم .

اعتماد السلطنه در گزارشات ۱۸ ذی قعدة ۱۳۰۰ ق که اتابک ۲۵ سال بیش نداشت
 او را (وزیر دربار و فی‌الواقع صدراعظم ایران) می‌داند ، ششماه بعد او را (صاحب ۴۴
 منصب بزرگ) می‌نویسد ، سال ۱۳۰۳ وزارت مالیه را ضمیمه سایر مشاغل اومی‌کند و می‌نویسد :
 (هرچه او بخواید شاه می‌خواهد و هرچه نخواهد شاه نمی‌خواهد) در رجب ۱۳۰۴ (۱۸۸۷ م)
 وزیر اعظم ۷ رجب ۱۳۱۰ (۱۸۹۳ م) که شاه بفکر درست کردن صدراعظم می‌افتد اتابک
 به صدارت میرسد و در ۱۲۱۸ ق (۱۹۰۰ م) دارای لقب (اتابک اعظم) می‌گردد .
 مورخان و محققان بطور دقیق دوره اول صدارت وی را از ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۸ متأثر
 از سیاست بریتانیا میدانند و معتقدند ، او بدون اجازه (سردرومندولف) وزیر مختار
 انگلیس کاری انجام نمیداد . از اینجهت بدنیست بنظر خود همین دیپلمات در باره
 شناسائی اتابک توجه شود ، ولف مینویسد : (از خیانت‌های تمام صدراعظم‌های سلف ایران
 که فریفته انگلیسها شده بودند و خودشانرا در اختیار آنها گذاشته بودند . خیانت اتابک
 بر همه آنها می‌چربد (۱) . لرد کرزن او را یک عنصر آنگلو فیل (۲) ، دکنتر فوریه نوکر سیاست
 انگلیس (۳) امین‌الدوله او را هواخواه انگلیس (۴) ، معرفی میکنند ، تقی‌زاده که به دوران
 مشروطه با او درگیری داشته است در این سالها ضمن نکوهش از اتابک او را (اولین روس پرست
 ایران) (۵) می‌نویسد : در ماجرای تحریم قرار داد تنباکو وقتی موج اعتراض بحد شدید بالا
 میگردد ، عزل او را میخواهند و شاه تصمیم به عزل او می‌گیرد بنابراین نوشته اعتماد السلطنه بکمک
 چرچیل دبیر سفارت انگلستان تلگرافی تهدید آمیز از طرف سالیسبوری صدراعظم جعل
 میکنند و از شاه باقای او درخواست میشود .

ولی از آنسو چون دیپلمات ورزیده ایران عملاً " می بیند حریف شمال نیرومند است ، با او بهتر میتوان کار کرد اینچنین جهت سیاسی خود را تغییر میدهد : به سفارت روس رفته با دو بوتزف وزیر مختار ملاقات میکند (با او اطمینان میدهد که از روش سابق برگشته و سپس وزیر مختار را مخاطب میسازد . ممکن است شما بقول من اعتماد نکنید ولی عملیات من در آینده صدق این مقال را ظاهر خواهد ساخت) .

این دوره صدارت اتابک که شش سال طول کشید مهمترین ادوار تاریخ ایران بود که (اتابک ایران را دست بسته تسلیم روس کرد .) (۱) .

وی بقدری بر مزاج شاه مسلط شد هر کار میخواست انجام میداد ، شاه مثل موسی در اختیار او بود از اینرو بعضی (مقام او را در این زمان در ردیف تاجداران قرار داده اند .
(Ever Ranking with Princes) (۶)

انگلستان که در این زمان از جنگهای جنوب افریقا و بوئرها نجات یافته بود تمام نظر خود را متوجه عقب ماندگی سیاست بریتانیا در ایران کرد و چون می دید در صحنه سیاست ایران با حریف نیرومندی روبروست تمام نیروهای خود را از فراماسونری ، مراکز آئینسی ، کهنه پرستی ، داخلی و خارجی تجهیز کرد بدنبال مسافرت لرد کرزن فرمانفرمای هند و هاردینگ سفیر کبیر انگلیس در ایران به بصره و صدور این حکم تکفیر اتابک در ۲۱ جمادی الثانی ۱۲۲۱ با مضای بزرگترین علمای تشیع (محمد شربانی ، محمد کاظم خراسانی ، محمد حسن مامقانی ، میرزا خلیل تهرانی) صادر می شود . (ادامه دارد)

۶ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ۱۶۸۹

بقیه از صفحه ۴۹

هم نشستند و به نوشانوش جای سرد سرگرم شدند دیگر آن جای بظاهر سرد آنچنان را آنچنان تر کرده بود .

سر انجام با چهره های گلگون و نشئه از شراب ناب خوشحال و غرور آمیز با پیر مرد بدرود گفت و آهنگ خانه نمود و عمو سیلاس دیگر هر گزارا ندید . آنروز بعد از ظهر ساعت ۳/۴۵ دقیقه ترن بمقصد سالزبورگ حرکت کرد در بین ازدحام مسافرین پیروزی که چتری بزرگ در یکدست و دسته گلی قشنگ در دست دیگر داشت دیده می شد . ناگفته نماند که در هوای گرم آنروز و انبوه جمعیت واگن مسافربری بوی قوی تر و زننده تر از جای سرد در فضای داخل واگن پراکنده بود . پیر زن نسبت به مسافران دیگر خوشحال و شنگول بنظر میرسید و لاینقطع و راجی می کرد تمام حرفهایش در مورد انسان نازنینی بود که امروز بعد از ظهر به تورش خورده بود با خوشحالی فراوان به مسافرین می گفت :

— چه مرد وارسته و نازنینی و خوش مشربی بود .